

نعم و پشت و مر نباد که م خود را در این که بطرس است  
مر اسوار است حنت ز ما لا بر وجه بریل و ناله بر است  
دینا و سفتا ح کرولیت گفت نم صبر بل گفتند  
توجه بر است گفت محمد علی گفتند تراز را از او کرد  
بودند گفت بل گفتند مر جابو سراسر برین در کشیدیم  
ای که پیش از این بودند صبر بل گفت بر است بر هم  
کنیم که درم و این جواب هم دادند و بعد از آن گفتند  
مر جابو صبر بل علی الصالح و تیز الصالح بعد از آن صبر بل  
با سلمان پیوستم و ما فریاد برین گرفت دیدم ای که گفتند  
بودند صبر بل گفت روی هم کشیم که درم و او جواب  
سسلام داد بعد از آن گفت مر جابو علی الصالح و بر  
بعد از آن بر و با سمان صهارم بهمان طریق مذکور دیدم  
ای که در پیش از این بودند صبر بل گفت روی هم کشیم  
سهم کردم و او جواب سسلام داد و بعد از آن گفتند  
علی الصالح و تیز الصالح بعد از آن بر و بر سمان صهارم دیدم

انجا با

انجا با روت علیه السلام بروی هم کشیم که درم و او جواب سسلام  
داد و بعد از آن گفت سسلام بعد از آن بر و بر سمان صهارم  
دیدم که انجا موسی علیه السلام بود بروی هم کشیم که درم و او جواب  
و سوزی نیز مر جابو گفت حتم از او در کشیم که درم که گفتند  
کریمین گفتند سبب است آن است که سبب است که گفتند  
و آن میشود و در پشت از است بیشتر را که در آن است  
مر بعد از آن بر و در علیه السلام بر و بر سمان صهارم  
برهنگ بطریق سابق جواب سسلام گفتند ای که گفتند  
گفتند آن بعد از آن بر و بر سمان صهارم که درم و او جواب  
مر جابو علی الصالح و تیز الصالح بعد از آن خود از است  
و دیدم که میوه و میوه سوزی بر لبه بر کمانی و کمان  
کوشمائی بر صبر بل گفتند سوزی بر لبه بر کمانی و کمان  
دیدم دوی و ظاهر و دوی و باطن گفتند آن آنها صهارم  
گفتند از و ندر که باطن است نه پشت است کی پس و در آن  
و آن و ندر که باطن است نه پشت است کی پس و در آن